



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



اعرف الحق تعرف امله

۱۳

سلسله پژوهش های اعتقادی

نگاهی به حدیث غدیر

آیت الله سید علی حسینی میلانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله پژوهش های اعتقادی

نویسنده:

علی الحسینی الميلانی

ناشر چاپی:

مرکز حقایق اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر المجلد ۱۳
۷	مشخصات کتاب
۷	سرآغاز ... ص: ۷
۸	پیش‌گفتار ... ص: ۱۳
۱۱	بخش یکم نگاهی به متن غدیر ... ص: ۲۳
۱۱	متن حدیث غدیر ... ص: ۲۳
۱۱	اشاره
۱۳	نکاتی ارزنده ... ص: ۲۶
۱۵	بخش دوم کوشش‌های در اثبات حدیث غدیر ... ص: ۳۵
۱۵	اثبات حدیث غدیر ... ص: ۳۵
۱۶	اشاره
۱۶	۱. غدیر از دیدگاه قرآن ... ص: ۳۵
۱۷	۲. شمار راویان حدیث غدیر از صحابه ... ص: ۳۸
۱۷	۳. راویان حدیث غدیر از تابعین ... ص: ۳۸
۱۷	۴. اسناد حدیث غدیر ... ص: ۳۹
۱۸	نگاهی به راویان حدیث غدیر ... ص: ۴۲
۲۰	چرا اهل سنت حدیث غدیر را نقل نکرده‌اند ... ص: ۴۶
۲۲	تواتر لفظی حدیث غدیر ... ص: ۵۰
۲۳	حدیث غدیر بیان‌گر امامت امیرالمؤمنین ... ص: ۵۳
۲۵	چکیده ... ص: ۵۶
۲۶	بخش سوم تلاش‌های ناکارآمد برای بی اعتبار کردن حدیث غدیر ... ص: ۶۱
۲۶	تلاش‌های ناکارآمد ... ص: ۶۱

- اشاره ۲۶
۱. علی علیه السلام در حجّة الوداع نبوده است! ... ص: ۶۲ ۲۶
۲. مناقشه در صحّت حدیث غدیر ... ص: ۶۴ ۲۷
۳. ادّعی عدم تواتر «حدیث غدیر ...» ص: ۶۵ ۲۷
۴. آیا کلمه «مؤلی» در کلام عرب به معنای «اؤلی» آمده است ...؟ ص: ۶۶ ۲۸
۵. «حدیث غدیر» بر امامت بلا فصل، دلالت نمی‌کند! ... ص: ۷۰ ۳۰
- پاسخ از اشکال ... ص: ۷۱ ۳۰
۶. آیا «حدیث غدیر» بر امامت باطنی دلالت می‌کند ...؟ ص: ۷۳ ۳۱
- کتابنامه ... ص: ۷۷ ۳۲
- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۳۳

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر المجلد ۱۳

مشخصات کتاب

سرشناسه: حسینی میلانی، علی، ۱۳۲۶ -
 عنوان قرارداد: حدیث الغدیر. فارسی
 عنوان و نام پدیدآور: نگاهی به حدیث غدیر / علی حسینی میلانی؛ ترجمه و ویرایش هیئت تحریریه مرکز تحقیقات اسلامی.
 مشخصات نشر: قم: مرکز تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۷.
 مشخصات ظاهری: ۷۹ ص.

فروست: سلسله پژوهش های اعتقادی؛ ۱۳.

شابک: ۳-۰۳-۵۳۴۸-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: ص.ع. به انگلیسی: A glance on Ghadir narration

یادداشت: کتابنامه: ص. ۷۷-۷۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق -- اثبات خلافت

موضوع: احادیث خاص (غدیر) -- نقد و تفسیر.

موضوع: غدیر خم، خطبه

شناسه افزوده: مرکز الحقائق الاسلامیه

رده بندی کنگره: BP۲۲۳/۵ ح ۵۳ ح ۴۰۴۱ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۵۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۰۱۲۴۱

سرآغاز ... ص: ۷

بسم الله الرحمن الرحيم

... آخرین و کامل ترین دین الهی با بعثت خاتم الانبیاء، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وآله به جهانیان عرضه شد و آئین و رسالت پیام رسانان الهی با نبوت آن حضرت پایان پذیرفت.

دین اسلام در شهر مکه شکوفا شد و پس از بیست و سه سال زحمات طاقت فرسای رسول خدا صلی الله علیه وآله و جمعی از یاران باوفایش، تمامی جزیره العرب را فرا گرفت.

ادامه این راه الهی در هجدهم ذی الحجه، در غدیر خم و به صورت علنی، از جانب خدای منان به نخستین رادمرد عالم اسلام پس از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله یعنی امیر مؤمنان علی علیه السلام سپرده شد.

در این روز، با اعلان ولایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام، نعمت الهی تمام و دین اسلام تکمیل و سپس به عنوان تنها دین مورد

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۸

پسند حضرت حق اعلام گردید. این چنین شد که کفرورزان و مشرکان از نابودی دین اسلام مأیوس گشتند.

دیری نباید که برخی اطرافیان پیامبر صلی الله علیه وآله، با توطئه‌هایی از پیش مهیا شده - مسیر هدایت و راهبری را پس از رحلت پیامبر خدا صلی الله علیه وآله منحرف ساختند، دروازه مدینه علم را بستند و مسلمانان را در تحیر و سردرگمی قرار دادند. آنان از همان آغازین روزهای حکومتشان، با منع کتابت احادیث نبوی، جعل احادیث، القای شبهات و تدلیس و تلبیس‌های شیطانی، حقایق اسلام را - که همچون آفتاب جهان تاب بود - پشت ابرهای سیاه شک و تردید قرار دادند.

بدیهی است که علی رغم همه توطئه‌ها، حقایق اسلام و سخنان دُرُزبار پیامبر خدا صلی الله علیه وآله، توسط امیر مؤمنان علی علیه السلام، اوصیای آن بزرگوار علیهم السلام و جمعی از اصحاب و یاران باوفا، در طول تاریخ جاری شده و در هر برهه‌ای از زمان، به نوعی جلوه نموده است. آنان با بیان حقایق، دودلی‌ها، شبهه‌ها و پندارهای واهی شیاطین و دشمنان اسلام را پاسخ داده و حقیقت را برای همگان آشکار ساخته‌اند.

در این راستا، نام سپیده باورانی همچون شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، خواجه نصیر، علامه حلی، قاضی نورالله، میر حامد حسین، سید شرف‌الدین، امینی و ... همچون ستارگانی پر فروز می‌درخشد؛ چرا که اینان در مسیر دفاع از حقایق اسلامی و تبیین سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۹

واقعیات مکتب اهل بیت علیهم السلام، با زبان و قلم، به بررسی و پاسخ‌گویی شبهات پرداخته‌اند...

و در دوران ما، یکی از دانشمندان و اندیشمندان که با قلمی شیوا و بیانی رسا به تبیین حقایق تابناک دین مبین اسلام و دفاع عالمانه از حریم امامت و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام پرداخته است، پژوهشگر والامقام حضرت آیت الله سید علی حسینی میلانی، می‌باشد.

مرکز حقایق اسلامی، افتخار دارد که احیای آثار پُربار و گران سنگ آن محقق نستوه را در دستور کار خود قرار داده و با تحقیق، ترجمه و نشر آثار معظم له، آن‌ها را در اختیار دانش پژوهان، فرهیختگان و تشنگان حقایق اسلامی قرار دهد. کتابی که در پیش رو دارید، ترجمه یکی از آثار معظم له است که اینک "فارسی زبانان" را با حقایق اسلامی آشنا می‌سازد. امید است که این تلاش مورد خشنودی و پسند بقیه الله الأعظم، حضرت ولی عصر، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

مرکز حقایق اسلامی

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۱۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا محمد وآله الطيبين الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم أجمعين من الأولين والآخرين.

پیش‌گفتار ... ص: ۱۳

از حدیث‌هایی که همواره مورد توجه اندیشمندان بوده «حدیث غدیر» است. حدیث شریفی که در سایه اهتمام خدای سبحان، پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله، ائمه اطهار علیهم السلام و بزرگان صحابه دارای جایگاه ویژه‌ای بوده است. از این رو اندیشمندان اسلامی در قرون متمادی به آن پرداخته‌اند. در قرآن کریم می‌خوانیم:

«يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ»؛ «۱»

ای پیامبر! آن چه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است، به مردم ابلاغ کن.

(۱). سوره مائده: آیه ۶۷.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۱۴

این آیه کریمه از آیات مربوط به «روز غدیر» است. خداوند متعال پیش از این آیه می‌فرماید:

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأَدْخَلْنَاَهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ * وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ»؛ (۱)

و اگر اهل کتاب ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، گناهان آنان را می‌بخشیدیم و آنان را در بهشت پر نعمت وارد می‌ساختیم. و اگر آنان به تورات و انجیل و آن چه از پروردگارش بر آنها نازل شده برپا می‌داشتند، به طور حتم از نعمت‌های آسمانی و زمینی برخوردار می‌شدند. عده‌ای از آنان مردمانی معتدل و میانه‌رو و بسیاری از آنان بدکردارند.

هم چنین در آیه بعد از آیه غدیر می‌فرماید:

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُتَيْمَمُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى الْكَافِرِينَ»؛ (۲)

(۱). سوره مائده: آیات ۶۵ و ۶۶.

(۲). سوره مائده: آیه ۶۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۱۵

(ای پیامبر!) به اهل کتاب بگو: شما هیچ جایگاهی (نزد خدا) ندارید مگر این که تورات، انجیل و آن چه را که از جانب پروردگارتان بر شما نازل شده برپا دارید، ولی به یقین آن چه بر تو از سوی پروردگارت نازل شده بر طغیان و کفر بسیاری از آنان می‌افزاید. بنا بر این بر حال قوم کافر افسوس مخور!

گرچه آیه غدیر در سیاق آیه‌هایی است که خداوند اهل کتاب را مورد خطاب قرار داده است؛ ولی به طور کامل و بدون کم و کاست قابل تطبیق بر امت رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز می‌باشد. به این بیان که اگر امت اسلام ایمان آورده و تقوا پیشه می‌کردند، همانا گناهانشان را می‌بخشیدیم و آنان را در بهشت پر نعمت وارد می‌کردیم. اگر آنان به دستورات قرآن و سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله به طور کامل عمل می‌نمودند و آن چه را که در قرآن درباره امیر مؤمنان علی علیه السلام و اهل بیت طاهرین علیهم السلام نازل شده است بر دیده نهاده و با جان و دل می‌پذیرفتند، به طور حتم از نعمت‌های آسمانی و زمینی بهره‌مند می‌شدند، و از امت اسلام نیز برخی معتدل و میانه‌رو و بسیاری بدکردارند.

به تعبیر دیگر، خداوند متعال پیش از آیه غدیر می‌فرماید:

«وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ»؛

و اگر اهل کتاب تورات و انجیل را اقامه می‌کردند.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۱۶

و بعد از آیه غدیر می‌فرماید:

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُتَيْمَمُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ»؛

بگو ای اهل کتاب! شما هیچ جایگاهی (نزد خدا) ندارید مگر این که تورات، انجیل و آن چه را که از جانب پروردگارتان بر شما نازل شده برپا دارید.

با این وجود می‌فرماید:

«لَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»؛

ولی به یقین آن چه بر تو از سوی پروردگارت نازل شده بر طغیان و کفر بسیاری- از این امت- می‌افزاید. بنا بر این بر حال این قوم کافر افسوس مخور!

با تطبیقی که گذشت، ترجمه این فراز از آیه چنین خواهد بود:

آن سان که اهل کتاب پیش از نزول قرآن مأمور به عمل کردن به کتاب‌هایشان بودند- یهودیان مأمورند به تورات عمل کنند و نصرانی‌ها به انجیل- مسلمانان نیز موظف‌اند که به کتاب خدا و سنت پیامبرشان پایبند باشند که با التزام عملی به کتاب و سنت، برکات آسمان و زمین بر آنان خواهد بارید؛ ولی افسوس که آن چه از جانب

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۱۷

خداوند متعال بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد، به جای آن که در عمل به دستورات قرآن و سنت پایبند شوند، بر طغیان و کفر آنان افزود!

بنا بر این در میان آیاتی که خداوند متعال بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرو فرستاده، واقعه غدیر از جلوه خاصی برخوردار است؛ چرا که خداوند متعال در آیه ابلاغ (واقعه غدیر) با بیانی قاطع و خطابی توأم با تهدید، رسول برگزیده خویش را مخاطب قرار می‌دهد و می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»؛ «۱»

ای پیامبر! آن چه از پروردگارت بر تو نازل شده است به مردم برسان و اگر چنین نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای.

شاهد دیگر بر مسأله نصب امیرالمؤمنین علیه السلام به جانشینی پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله، سخن خود رسول خدا است که در خانه حضرت ابوطالب علیه السلام مطالبی در این باره فرمود که به «حدیث یوم الأئذار» و یا «حدیث الدار» معروف شد. «۲» پیامبر در آن روز

(۱). سوره مائده: آیه ۶۷.

(۲). این واقعه، در اوایل بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مکه و در خانه ابوطالب علیه السلام که بزرگ بنی هاشم بود رخ داد و مأموریت رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن روز، انذار نزدیکانش پیش از انذار دیگران بود، و انذار نیز در برابر بشارت است.

برای آگاهی بیشتر در این زمینه به پژوهشی که به نام حدیث الدار انجام داده‌ایم، مراجعه کنید.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۱۸

چنین فرمود:

أمرني ربي بأن أبلغ القوم ما أمرت به، فضقت بذلك ذرعاً حتى نزل جبرئيل وقال: إن لم تفعل لم تبليهم ما أرسلت به؛ «۱»

پروردگارم به من امر فرموده است که آن چه را که مأمور به آن شده و برای آن فرستاده شده‌ام به مردم برسانم (و از این که مبادا مردم انکار کنند) از این فرمان دلتنگ شدم، تا این که جبرئیل نازل شد و از جانب خداوند چنین فرمان آورد که اگر آن چه را مأمور به تبلیغ آن شده‌ای انجام ندهی، مأموریت و رسالتی را که بدان برانگیخته شده‌ای انجام نداده‌ای.

بنا بر آن چه بیان شد، شواهد بالا- به ویژه داستان خانه ابوطالب علیه السلام و نیز شواهد بسیار دیگری که در جای خود آمده، بیان گر این است که ابلاغ امامت امیرالمؤمنین علیه السلام و خلافت نخستین امام شیعیان، از مهم‌ترین اموری بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله از آغاز دعوت تا واپسین لحظات زندگی خویش، از طرف

(۱). معالم التنزیل: ۴/ ۳۷۸ و ۲۷۹.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۱۹

خداوند متعال به آن مأمور بوده است؛ چرا که آیه تبلیغ در سوره مائده است و این سوره به اتفاق نظر همه مسلمانان آخرین سوره از قرآن است که نازل شده است.

قُزُطِبَی در تفسیر خود، به صراحت ادعای اجماع می کند که سوره مائده، آخرین سوره‌ای است که نازل شده و برخی از آیات آن نیز در حَجَّةُ الْوُدَاع نازل شده است. «۱» همان طور که در روایات شیعه نیز به این مطلب تصریح شده است.

با وجود چنین اجماع و نصّی، رسول خدا صلی الله علیه و آله در تمام دوران رسالت مبارک و خجسته خود، در کنار فراخوانی مردم به ایمان به خدای تعالی و رسالت خویش، آنان را به خلافت بلا فصل امیرالمؤمنین علیه السلام پس از خودش دعوت فرموده و این امر الهی را به آنان ابلاغ می نمود.

حدیث غدیر، از جهات متعددی دارای عظمت و جلالت است که به برخی از آن‌ها اشاره می نمایم:

۱. شرایط خاصی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خطبه غدیر را در آن شرایط ایراد فرموده است.

(۱)

. الجامع لاحکام القرآن: ۶/ ۳۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۲۰

۲. سخنانی که در ضمن این خطبه از زبان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله جاری شده است، بدون هیچ گونه شک و شبهه‌ای از نظر فنون زبان عرب دلالت بر امامت امیرالمؤمنین علیه السلام می نماید.

۳. آیاتی از قرآن کریم که درباره واقعه غدیر نازل شده است.

گفتنی است که عدّه بسیاری از اندیشمندان در ماندگاری و نقل و نشر این حدیث شریف متحمل زحمات طاقت فرسایی شده‌اند؛ همان گونه که منکران آن نیز در ردّ، کتمان و بی‌اهمیت جلوه دادن این حدیث از هیچ کوششی فروگذار نکرده‌اند.

ما در این پژوهش به طور گذرا حدیث غدیر را در سه بخش بررسی خواهیم کرد:

۱. نگاهی به متن حدیث غدیر؛

۲. کوشش‌هایی در اثبات حدیث غدیر؛

۳. تلاش‌هایی ناکارآمد برای بی‌اعتبار کردن حدیث غدیر.

سید علی حسینی میلانی

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۲۳

بخش یکم نگاهی به متن غدیر ... ص: ۲۳

متن حدیث غدیر ... ص: ۲۳

اشاره

پیش از آن که به بررسی سند «حدیث غدیر» بپردازیم و دلالت آن را بر خلافت و جانشینی بلا فصل مولانا امیرالمؤمنین علیه السلام

توضیح دهیم، ناگزیریم به دو متن از حدیث غدیر که در مصادر معتبر اهل تسنن آمده است اشاره نماییم:

به روایت احمد بن حنبل

احمد بن حنبل در کتاب مسند خود، به سند صحیح از زید بن ارقم چنین نقل می‌کند:

همراه رسول خدا صلی الله علیه وآله در سرزمینی به نام «خَمّ» فرود آمدیم. پیامبر خدا صلی الله علیه وآله به نماز امر فرمود و در شدت گرما نماز را به پا داشت و پس از آن برای ما خطبه‌ای ایراد فرمود. برای آن سرور- با پارچه‌ای که بر درخت تنومندی انداخته بودند- سایبانی آماده شد.

آن بزرگوار در ضمن خطبه‌اش چنین فرمود:

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۲۴

أَلَسْتُمْ تَعْلَمُونَ؟ أَلَسْتُمْ تَشْهَدُونَ أَنِّي أَوْلَىٰ بِكُلِّ مُؤْمِنٍ مِنْ نَفْسِهِ؟

آیا نمی‌دانید؟ آیا شهادت نمی‌دهید که من به هر مؤمنی از خودش (در تمام امور) سزاوارترم؟ همه مخاطبان در جواب گفتند: آری.

حضرت فرمود:

فَمَنْ كُنْتَ مَوْلَاهُ فَإِنَّ عَلِيًّا مَوْلَاهُ. اللَّهُمَّ عَادِ مَنْ عَادَهُ وَوَالِ مَنْ وَاوَاهُ؛ «۱»

هر که من مولا و سرپرست او هستم، پس علی مولا و سرپرست اوست. خدایا! دشمن بدار هر که با علی دشمنی ورزد؛ و دوست بدار آن که با او از در دوستی درآید.

به روایت نسائی

این روایت را نسائی، نویسنده کتاب سنن، به سند صحیح از ابوالطفیل، از زید بن ارقم چنین نقل می‌کند:

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه وآله از حَجَّةِ الْوُدَاعِ مراجعت می‌فرمود، در غدیر خم فرود آمد. امر فرمود که زیر درختان آن جا را

(۱). مسند احمد بن حنبل: ۵/ ۵۰۱، حدیث ۱۸۸۳۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۲۵

جاروب کردند، سپس فرمود:

كَأَنِّي قَدْ دَعَيْتُ فَأَجِبْتِ وَإِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ، أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخِرِ: كِتَابُ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلُ بَيْتِي، فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلَفُونِي فِيهِمَا، فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّىٰ يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ؛

گویا به سوی حق تعالی فرا خوانده شده‌ام؛ از این رو دعوت او را اجابت کردم. به راستی که من در میان شما دو گوهر گرانبها به جای می‌گذارم که یکی از آن دو بزرگ‌تر از دیگری است: قرآن کتاب خدا و عترتم که اهل بیت من هستند. پس توجه داشته باشید که پس از آن دو چگونه رفتار خواهید کرد. همانا آن دو هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا این که در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

سپس فرمود:

إِنَّ اللَّهَ مَوْلَايَ وَأَنَا وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ؛

به راستی که خداوند مولا و سرپرست من است و من ولی و سرپرست هر مؤمنی هستم.

آن گاه دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود:

من كنت وليه فهذا وليه. اللهم وال من والاه وعاد من عاداه؛
هر کس من سرپرست او هستم، پس این (علی) سرپرست اوست.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۲۶

خدایا! دوست بدار کسی که او را دوست دارد، و دشمن باش با کسی که با او دشمنی ورزد.

ابوالطفیل می گوید: به زید بن ارقم گفتم: آیا خودت این کلام را از رسول خدا صلی الله علیه وآله شنیدی؟

زید گفت: به راستی که «۱» در آن سرزمین در زیر آن درختان کسی نبود مگر این که با چشمانش آن حضرت را دید و با گوش هایش این کلام را از او شنید. «۲» آن چه بیان شد دو متن از حدیث شریف غدیر بود که به سند معتبر از زید بن ارقم نقل شد.

نکاتی ارزنده ... ص: ۲۶

اکنون توجه به چند نکته ضروری است که به آن‌ها اشاره می شود:

نکته یکم. حدیث غدیر در صحیح مسلم، مسند احمد و در بسیاری از منابع حدیثی اهل تسنن چنین آمده است که راوی گوید:
رسول خدا صلی الله علیه وآله برای ما خطبه خواند. «۳»

(۱)

. در برخی از منابع آمده است: به خدا سوگند!

(۲). فضائل الصحابه: ۱۵، حدیث شماره ۴۵، خصائص امیرالمؤمنین علیه السلام: ۹۶، حدیث ۷۹.

(۳). ر. ک: صحیح مسلم: ۴/ ۱۸۷۳، حدیث ۳۶، مسند احمد بن حنبل: ۵/ ۴۹۸، حدیث ۱۸۸۱۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۲۷

در تعبیر دیگر، راوی می گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه وآله برخاست و برای ما خطبه خواند؛ ولی در المستدرک آمده است: پس پیامبر خدا صلی الله علیه وآله برخاست و خطبه خواند و در آن خطبه حمد و ثنای الهی را به جای آورد و مردم را به آن چه که خدا می خواست موعظه کرد. «۱» حافظ ابوبکر هیشمی در مجمع الزوائد می نویسد: راویان گویند: به خدا سوگند! پیامبر تمام اموری را که تا روز رستاخیز واقع می گردد برای ما باز گو کرد. «۲» اکنون حق ما نیست که از راویان، محدثان و کسانی که خود را امین بر سنت رسول خدا صلی الله علیه وآله قلمداد می کنند پرسیم که به راستی این خطبه‌ای که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله در روز غدیر ایراد فرموده و تمام اموری را که تا روز رستاخیز رخ خواهد داد بیان نموده کجاست؟

چرا از نقل این خطبه خودداری کرده‌اند؟

آیا این پرسش، پرسشی بی جا و بی مورد است؟

آیا تاریخ این حق مسلم را به نسل های آینده نمی دهد که درباره

(۱). المستدرک: ۳/ ۱۱۰.

(۲). مجمع الزوائد: ۹/ ۱۰۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۲۸

عدم نقل چنین میراث گرانبهایی (که بنا بر نقل مجمع الزوائد هیشمی مشتمل بر جمیع وقایع آینده و امور مهم مربوط به سرنوشت این

اُمّت بود) گذشتگان را مورد مؤاخذه قرار بدهند؟ چرا و به چه دلیل از نقل این اثر گران قیمت خودداری ورزیدند؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در آن خطبه حمد و ثنای الهی را به جای آورد و مردم را به آن چه که خدا می‌خواست موعظه کرد. پس مواعظ رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر چه شد؟ تذکرات آن سرور در آن روز چه شد؟ چرا خطبه را ترک کرده و نقل نکردند؟ مگر اینان حافظان سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله نبودند؟ مگر وظیفه مسلم آنان نقل فرمایشات دُرّبار آن سرور عالمیان برای اُمّت نبود؟ چه شد که با خودداری از نقل چنین میراث پربهایی خسارتی جبران ناپذیر بر پیکره ذخایر علمی این اُمّت وارد نمودند؟ آیا جوابی قانع کننده برای این خطای گذشت ناپذیر می‌توانند ارائه دهند؟ نکته دوم. در علم حدیث، قانونی وجود دارد که می‌گویند:

الْحَدِيثُ يُفَسَّرُ بَعْضُهُ بَعْضًا؛
 برخی از حدیث‌ها، برخی دیگر را تفسیر و بیان می‌نمایند.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۲۹

یعنی حدیث به سان قرآن است، آن سان که برخی از آیات قرآن مفسّر و مبین آیات دیگری است و پرده اجمال و ابهام را از آیات دیگر برمی‌دارد؛ در روایات نیز همین گونه است.

با توجه به دو متن حدیثی که با سند صحیح ارائه شد؛ متن یکی، متن دیگری را تفسیر می‌کند؛ به این بیان که در یک نقل آن می‌فرماید:

من كنت مولاة فإنّ عليّاً مولاة؛
 و در نقل دیگری می‌فرماید:

من كنت وليه فهذا وليه؛

به عبارت دیگر، در یک نقل واژه «مؤلی» و در نقل دیگر واژه «ولی» به کار برده شده است. بنا بر این اگر کسی در معنای واژه «مؤلی» تشکیک نماید و بگوید: مؤلی در این حدیث شریف به معنای «ولی» یا «اولی» نیست، به طور مسلم وجود «ولی» در نقل دوم، جایی برای این تشکیک باقی نمی‌گذارد.

البته در جای خود، شاهد‌های بسیاری در نقل‌های مختلف - که از نظر سندی صحیح هستند - متن حدیث غدیر وجود دارد که تمام آن‌ها مفسّر و مبین کلمه «مؤلی» هستند. همان گونه که اشاره شد این‌ها بر فرض آن است که ما در فهم معنای کلمه «مؤلی» در حدیث غدیر دچار تردید و ابهام شده و محتاج به تفسیر، بیان و اقامه شاهد باشیم که در این

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۳۰

صورت از این قرائن به اصطلاح «منفصله» استفاده خواهیم کرد و حال آن که در خود نقلی که کلمه «مؤلی» موجود است، قرائن متّصله بسیاری است که جایی برای ابهام این لفظ باقی نمی‌گذارد.

نکته سوم. مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری نیز در صحیح خود به نقل حدیث شریف غدیر پرداخته بی آن که آن را نقل نماید؛ یعنی فقط به نقل ابتدای حدیث که همان مضمون حدیث ثقلین است بسنده کرده، در صورتی که بنا بر نقل نسائی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

كأني قد دعيت فاجبت وإنّي تارك فيكم الثقلين، أحدهما أكبر من الآخر: كتاب الله وعترتي أهل بيتي، فانظروا كيف تخلفوني

فیهما، فإنهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض؛

گویا به سوی حقّ تعالی فرا خوانده شده‌ام؛ از این رو دعوت او را اجابت کردم. به راستی که من در میان شما دو گوهر گرانبها به جای می‌گذارم، یکی از آن دو بزرگ‌تر از دیگری است: قرآن کتاب خدا و عترتم که اهل بیت من هستند. پس توجه داشته باشید که پس از من با آن دو چگونه رفتاری خواهید کرد. همانا آن دو هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا این که در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۳۱

آن گاه حضرتش فرمود:

إِنَّ اللَّهَ مَوْلَايَ وَأَنَا وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ؛ «... ۱»

به راستی که خداوند مولا و سرپرست من است و من ولی و سرپرست هر مؤمنی هستم.

به دیگر سخن، مسلم نیشابوری، فقط بخشی از حدیث غدیر را که همان مضمون حدیث ثقلین است با اندک تغییری در الفاظ نقل کرده است؛ ولی بخشی را که با خطبه غدیر و نصب امیرالمؤمنین علیه السلام به خلافت بلافصل ارتباط مستقیم دارد، نقل نکرده است. آن جا که می‌فرماید:

من كنت مولا فهدا علی مولا؛

هر که من مولا و سرپرست او هستم، پس علی مولا و سرپرست اوست.

ولی با این حال ما از مسلم بن حجاج سپاسگزاریم؛ چرا که دست کم همین مقدار از حدیث را به عنوان حدیث غدیر نقل کرده است تا معلوم باشد که رسول خدا صلی الله علیه وآله خطبه‌ای به نام خطبه غدیر ایراد فرموده است؛ زیرا بخاری حتی کلمه‌ای از خطبه مفصل

(۱). خصائص امیرالمؤمنین علیه السلام: ۹۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۳۲

غدیر را نقل نکرده است (!!)) از این رو جا دارد که از مسلم بن حجاج برای همین اندازه از امانت‌داری او تشکر کرد!

شاید کسی از مسلم بن حجاج در عدم نقل بخش پایانی حدیث غدیر دفاع کند و بگوید: اساتید مسلم و راویان حدیث، بیش از این مقدار برای او نقل نکرده‌اند. یا بگوید: مسلم بر مبنای شروط و ضوابطی که در کتاب صحیح دارد، سند دیگری از اسانید حدیث غدیر جز این حدیث ناقص دارای آن شرایط نیافته که مشتمل بر همین مقدار از الفاظ است و او در نقل آن مقدار نیز کوتاهی نکرده است.

در پاسخ این دفاع باید گفت: این مطالب، فرضیه‌ای بیش نبوده و پذیرفتنی نیست؛ ولی با این وجود ما از مسلم بن حجاج برای نقل همین مقدار از حدیث به عنوان «حدیث غدیر» تشکر می‌نماییم.

کوتاه سخن این که بررسی «حدیث غدیر» به فرصت بیشتری نیاز دارد که در این مختصر نمی‌گنجد؛ از این رو ما به ذکر سرفصل‌ها و نکات مهم آن اکتفا می‌کنیم.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۳۵

بخش دوم کوشش‌های در اثبات حدیث غدیر ... ص: ۳۵

اثبات حدیث غدیر ... ص: ۳۵

اشاره

در این بخش نکاتی را پیرامون اثبات حدیث غدیر بیان می‌نماییم:

۱. غدیر از دیدگاه قرآن ... ص: ۳۵

درباره واقعه غدیر و اهمیت این روز، آیاتی از قرآن نازل شده است. پیش از خطبه غدیر این آیه نازل شد:

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»؛ «۱»

ای پیامبر! آن چه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است، (به مردم) ابلاغ کن؛ و اگر چنین نکنی، رسالت خدا را انجام نداده‌ای.

(۱). سوره مائده: آیه ۶۷.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۳۶

آن گاه که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خطبه را به پایان رساند، این آیه کریمه فرو فرستاده شد:

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»؛ «۱»

امروز دین شما را به حد کمال رسانده و نعمت را بر شما تمام کردم و آیین اسلام را برایتان برگزیدم.

هنگامی که خطبه غدیر پایان یافت و مسأله بیعت با امیر مؤمنان علی علیه السلام به طور جدی مطرح شد، عربی درخواست عذاب

نمود و این آیه درباره او نازل شد:

«سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ»؛ «۲»

درخواست کننده‌ای تقاضای وقوع عذابی نمود.

خلاصه شأن نزول این آیه مبارکه چنین است:

پس از آن که واقعه غدیر پایان یافت، شخصی به نام «حارث بن نعمان فهري» نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و با حالی

آشفته به حضرتش چنین خطاب کرد: ما را به نماز گزاردن امر نمودی امثال کردیم. دستور به پرداخت زکات فرمودی اطاعت

کردیم و ... و اکنون

(۱). سوره مائده: آیه ۳.

(۲). سوره معارج: آیه ۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۳۷

بازوی پسر عمویت را گرفته و او را به عنوان ولی و سرپرست بر ما نصب نمودی! آیا این دستور از پیش خود توست یا از خدا؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ فرمود:

وَالَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، هَذَا مِنْ اللَّهِ؛

به خدایی که جز او معبودی نیست سوگند! این فرمانی از جانب خداوند است.

حارث پشت کرد و به طرف مرکب خود حرکت کرد و می‌گفت:

خدایا! اگر آن چه محمد می‌گوید حق است، بارانی از سنگ‌های آسمانی بر ما ببار و یا عذاب دردناکی بر ما فرو فرست!

هنوز به مرکبش نرسیده بود که خداوند سنگی فرو فرستاد که بر فرقش خورد و از دامنش بیرون گشت. در این هنگام خداوند این

آیه را نازل فرمود:

«سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَقِيعٍ * لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ»؛ (۱)

درخواست کننده‌ای تقاضای وقوع عذابی کرد. این عذاب برای کافران است و هیچ کس نمی‌تواند آن را دفع کند. «۲» این آیه و آیاتی دیگر، درباره واقعه غدیر خم است و هر یک از

(۱). سوره معارج: آیات ۱ و ۲.

(۲). تفسیر ثعلبی: ۳۵/۱۰، شواهد التنزیل: ۳۸۱/۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۳۸

این آیه‌ها بحث مستقل و جداگانه‌ای را می‌طلبد که به فرصتی بیش از این نیازمند است؛ از این رو پژوهندگان را به منابع مربوط به این آیات ارجاع می‌دهیم.

۲. شمار راویان حدیث غدیر از صحابه ... ص: ۳۸

طبق تحقیقی که انجام یافته است، بیش از یک‌صد و بیست مرد و زن صحابی به نقل حدیث غدیر پرداخته‌اند و محدثان اهل سنت در کتاب‌هایشان با سلسله سندهای خود حدیث غدیر را از این‌ها نقل کرده‌اند که این روایت‌ها در کتاب‌هایی که به طور مستقل در زمینه حدیث غدیر نوشته شده آمده‌اند.

در میان مورخان و سیره‌نویسان، نسبت به شمار حاضران در روز غدیر و شنوندگان خطبه رسول خدا صلی الله علیه وآله اختلاف نظر است که بنا بر برخی از اقوال، شمار حاضران در آن اجتماع، یک‌صد و بیست هزار نفر بوده است و واضح است که با توجه به این نقل، حدیث غدیر فقط از ۱۱۰۰۰ حاضران، به ما رسیده است.

۳. راویان حدیث غدیر از تابعین ... ص: ۳۸

نکته دیگر این که تعداد راویان حدیث غدیر از تابعین، چند برابر صحابه است. البته این امری روشن است؛ زیرا افراد بسیاری از تابعین

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۳۹

این حدیث شریف را از یک صحابی شنیده‌اند و این حدیث را برای تعداد زیادی از شاگردان خود نقل کرده‌اند. از این رو شمار علمای اهل تسنن در قرون متمادی که در زمره راویان حدیث غدیر به شمار می‌آیند به صدها نفر می‌رسد.

۴. اسناد حدیث غدیر ... ص: ۳۹

حدیث غدیر با سندهای بسیاری نقل شده و فراتر از حدّ تواتر است. از این رو سندهای این حدیث قابل شمارش نیست. سه شاهد بر این مطلب می‌توان ارائه کرد:

نخست. کتاب‌هایی که درباره سندهای حدیث غدیر تألیف شده به حدّی زیاد است که اگر بخواهیم به نام آن‌ها اشاره کرده و نگارندگان آن‌ها را - از علمای بزرگ گذشته - معرفی کنیم، سخن به درازا می‌کشد و در این نوشتار نمی‌گنجد.

دوم. عدّه‌ای از نگارندگان بزرگ اهل تسنن، با جمع‌آوری احادیث متواتر، کتاب‌هایی در این زمینه تألیف کرده‌اند که «حدیث غدیر» نیز در بسیاری از آن تألیفات، به عنوان حدیثی متواتر ذکر شده است. برای نمونه به ذکر چند مورد اکتفا می‌شود:

۱. جلال الدین عبدالرحمان سیوطی که یکی از بزرگ‌ترین

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۴۰

علمای اهل تسنن در قرن نهم و دهم و دارای تألیفات بسیاری است، چند کتاب جداگانه در احادیث متواتر تألیف نموده و «حدیث غدیر» را در آن‌ها آورده است. «۱» ۲. مرتضی زبیدی، نویسنده کتاب تاج العروس که از معتبرترین کتاب‌های لغوی است، یکی از تألیفاتش را به احادیث متواتر اختصاص داده و «حدیث غدیر» را در آن ذکر کرده است. «۲» ۳. کتّانی نیز کتابی را در احادیث متواتره نگاشته و «حدیث غدیر» را در آن آورده است. «۳» ۴. شیخ علی متقی هندی، نگارنده کتاب کنز العمال، کتاب ویژه‌ای در احادیث متواتر نگاشته و «حدیث غدیر» را در آن آورده است.

۵. ملا علی قاری هر وی نیز کتابی در خصوص احادیث متواتر تألیف نموده است و «حدیث غدیر» را در آن ذکر کرده است.

بنا بر این، «حدیث غدیر» در کتاب‌هایی که به احادیث متواتر اختصاص دارد موجود است.

سوم. عدّه زیادی از محدّثان و حافظان بزرگ اهل تسنن به تواتر

(۱). ر. ک: نظم المتناثر من الحدیث المتواتر: ۱۹۵، النصائح الکافیة: ۹۲، نفحات الأزهار: ۸ / ۳۱۹.

(۲). ر. ک: ملحقات احقاق الحق: ۲۳ / ۱۰.

(۳). نظم المتناثر من الحدیث المتواتر: ۱۹۴ حدیث ۲۳۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۴۱

حدیث غدیر تصریح نموده‌اند که برای نمونه به ذکر نام سه نفر از آنان اکتفا می‌شود:

۱. شمس الدین ذهبی، با تعصب شدیدی که به عقاید اهل تسنن دارد می‌گوید: حدیث غدیر متواتر است و من یقین دارم که رسول خدا صلی الله علیه وآله این سخن را فرموده است. «۱» ۲. ابن کثیر دمشقی نیز در کتاب البدایة و النّهایه به تواتر «حدیث غدیر» اعتراف می‌کند. «۲» ۳. حافظ کبیر شمس الدین جزری نیز در کتاب اسنی المطالب فی مناقب علی بن ابی طالب علیهما السلام، به تواتر «حدیث غدیر» اعتراف می‌نماید. «۳» البته ما در این جا فقط به چهار نکته اساسی اشاره کردیم که هر کدام از آن‌ها به تألیف جداگانه‌ای نیاز دارد و از حوصله این نوشتار بیرون است.

(۱). سیر اعلام النبلاء: ۸ / ۳۳۵.

(۲). البدایة و النّهایه: ۵ / ۲۱۳.

(۳). اسنی المطالب فی مناقب علی بن ابی طالب علیهما السلام: ۳ و ۴.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۴۲

نگاهی به روایان حدیث غدیر ... ص: ۴۲

همان طور که بیان شد، حدیث غدیر در اصطلاح «درایة الحدیث» فراتر از حدّ تواتر است و شکی در صدور آن از رسول خدا صلی الله علیه وآله نیست، آن سان که شمس الدین ذهبی به این مطلب تصریح کرده است؛ ولی اکنون اسامی مشهورترین روایان این حدیث را از پیشوایان و حافظان اهل سنت در قرون مختلف ذکر می‌نماییم:

۱. محمّد بن اسحاق، نویسنده کتاب سیره ابن اسحاق؛

۲. معمر بن راشد؛

۳. محمد بن ادریس شافعی، پیشوای شافعی‌ها؛
 ۴. عبدالرزاق بن همام صنعانی، استاد بخاری و نگارنده کتاب المصنّف؛
 ۵. سعید بن منصور، نویسنده کتاب المُسنَد؛
 ۶. احمد بن حنبل شیبانی، پیشوای حنبلی‌ها و نگارنده کتاب المسند؛
 ۷. ابن ماجه قزوینی، نویسنده یکی از صحاح ششگانه؛
 ۸. ابو عیسیٰ ترمذی، نویسنده یکی دیگر از صحاح ششگانه؛
 ۹. ابوبکر بزّار، نگارنده المسند؛
 ۱۰. ابو عبدالرحمان نسائی، نویسنده کتاب سنن، یکی از صحاح ششگانه؛
 - سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۴۳
 ۱۱. ابویعلیٰ موصلی، نگارنده کتاب المسند؛
 ۱۲. ابوجعفر محمد بن جریر طبری، مؤلف دو کتاب مشهور و معروف تفسیر و تاریخ؛
 ۱۳. ابوحاتم ابن حبان، نویسنده کتاب الصّحیح؛
 ۱۴. ابوالقاسم طبرانی، نویسنده کتاب‌های معجم صغیر، اوسط و کبیر؛
 ۱۵. حافظ ابوالحسن دارقطنی.
- وی در زمان خود پیشوای بغداد بوده است و در میان مشایخ حدیث عامّه، به «امیر المؤمنین در حدیث» لقب یافته است؛
۱۶. حاکم نیشابوری، نگارنده کتاب المستدرک علی الصّحیحین؛
 ۱۷. ابن عبدالبرّ، مؤلف کتاب الإستیعاب؛
 ۱۸. خطیب بغدادی، نویسنده کتاب تاریخ بغداد؛
 ۱۹. ابونعیم اصفهانی، نگارنده کتاب‌های حلیه الاولیاء، دلائل النّبوة و کتاب‌های دیگر؛
 ۲۰. ابوبکر بیهقی، نویسنده کتاب السنن الکبری؛
 ۲۱. بغوی، نگارنده کتاب مصابیح السنّه؛
 ۲۲. جارالله زمخشری، مؤلف کتاب الکشاف؛
 ۲۳. ابن عساکر دمشقی، نویسنده کتاب تاریخ مدینه دمشق؛
 - سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۴۴
 ۲۴. فخر رازی، نویسنده کتاب مفاتیح الغیب، معروف به تفسیر کبیر؛
 ۲۵. ضیاء مقدسی، نویسنده کتاب المختاره؛
 ۲۶. ابن اثیر جزری، نویسنده کتاب أُسد الغابه؛
 ۲۷. حافظ کبیر ابوبکر هیشمی، نویسنده کتاب مجمع الزوائد؛
 ۲۸. حافظ مزّی از حافظان بزرگ اهل تسنّن، نویسنده کتاب تهذیب الکمال؛
 ۲۹. حافظ ذهبی، نویسنده کتاب تلخیص المستدرک و کتاب‌های دیگر؛
 ۳۰. حافظ خطیب تبریزی، نویسنده کتاب مشکاه المصابیح؛
 ۳۱. نظام الدین نیشابوری، نویسنده کتاب غرائب القرآن در تفسیر؛
 ۳۲. ابن کثیر دمشقی، نگارنده کتاب تفسیر القرآن العظیم معروف به تفسیر ابن کثیر و کتاب البدایه والنّهایه در تاریخ؛

۳۳. حافظ ابن حجر عسقلانی.

اهل تسنن او را به «شیخ الاسلام» ملقب ساخته و یکی از علمای بزرگ آن‌ها به شمار می‌آید که در نقل روایات و استدلال‌هایش مورد اعتماد است. او کتاب‌های زیادی نوشته که مهم‌ترین آن‌ها فتح الباری فی شرح صحیح البخاری است.

۳۴. عینی حنفی، نویسنده کتاب عمده القاری فی شرح صحیح البخاری؛

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۴۵

۳۵. حافظ جلال الدین سیوطی، نویسنده کتاب‌های بسیار و معروف؛

۳۶. ابن حجر مکی، نویسنده کتاب الصواعق المحرقة؛

۳۷. شیخ علی متقی هندی، نویسنده کتاب کنز العمال؛

۳۸. شیخ نور الدین حلبی، نویسنده کتاب السیره الحلبیه؛

۳۹. شاه ولی الله دهلوی.

وی نویسنده کتاب‌های بسیاری است. اهل سنت او را «علامه هند» نامیده، بر کتاب‌هایش اعتماد کرده و از آن‌ها نقل می‌نمایند؛

۴۰. شهاب الدین خفاجی.

وی شخصیتی محقق ادیب و محدث است. او کتاب نسیم الریاض را در شرح شفاء قاضی عیاض نوشته و تعلیقه مفصلی بر تفسیر بیضاوی نگاشته است که هر دو از کتاب‌های معتبر در نزد اهل سنت هستند.

۴۱. مرتضی زبیدی، نویسنده کتاب تاج العروس فی شرح القاموس؛

۴۲. احمد زینی دحلان، نویسنده کتاب السیره الدحلانیه؛

۴۳. شیخ محمد عبده مصری، نویسنده کتاب‌های تفسیر و شرح نهج البلاغه و آثار دیگر.

آری، اینان از مشهورترین و معروف‌ترین راویان «حدیث غدیر» در قرن‌های مختلف هستند.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۴۶

چرا اهل سنت حدیث غدیر را نقل نکرده‌اند...؟! ص: ۴۶

در پاسخ این پرسش ناگزیریم اشاره‌ای گذرا به این مطلب بنماییم که اگر پژوهش‌گر با انصاف و آزاداندیشی به سندها و متن‌های «حدیث غدیر» توجه نماید، به قراین بسیاری دست می‌یابد که انگیزه‌های عدم نقل و یا موانع نقل «حدیث غدیر» را به وضوح روشن می‌سازد. ما برای نمونه با ارائه چند متن و با نقل‌های مختلف، به یکی از آن موانع اشاره می‌کنیم.

یکی از راویان چنین می‌گوید: ابن ابی اوفی بینایی خود را از دست داده بود. او را در راهرو خانه‌اش دیدم و درباره حدیثی از او پرسیدم.

گفت: به راستی که شما مردم کوفه حالاتی دارید که نمی‌توانیم برایتان احادیث را نقل نماییم.

گفتم: خداوند کارهایت را به سامان برساند! واقعیت آن است که من از آن گروه نیستم و از طرف من مشکلی برای تو ایجاد نخواهد شد.

وقتی خاطرش از جانب من آسوده شد، گفت: کدام حدیث را می‌خواهی برای تو نقل کنم؟

راوی گوید: گفتم: حدیث علی علیه السلام در غدیر خم را «... ۱»

(۱). مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام، ابن مغزلی: ۱۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۴۷

راوی دیگری می گوید: نزد زید بن ارقم رفتیم و به او گفتیم: دامادم از تو حدیثی در شأن علی علیه السلام در روز غدیر خم برای من نقل کرده است. من دوست دارم آن حدیث را از خودت بشنوم.

زید بن ارقم در پاسخ گفت: شما مردم عراق حالاتی دارید که مانع از نقل حدیث برای شما می شود.

به او گفتم: از طرف من مشکلی برای تو ایجاد نخواهد شد.

وقتی از جانب من مطمئن شد، درخواست مرا پذیرفت و گفت:

آری، ما در جُحُفِه بودیم ... سپس واقعه را تا آخر نقل نمود.

به او گفتم: آیا رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

اللهم وال من والاه و عاد من عاداه؟

خدایا! دوست بدار هر که او را دوست بدارد و دشمن باش با کسی که با او دشمنی ورزد.

زید بن ارقم گفت: من آن چه را که شنیدم به تو بازگو کردم. «۱» اکنون اگر این حدیث را که در مسند احمد از زید بن ارقم نقل

شده است، با حدیثی که در بخش پیشین از زید بن ارقم آوردم - که آن نیز در مسند احمد آمده بود - بسنجید، به خوبی

درمی یابید که در این نقل، از بیان ذیل حدیث که همان جمله دعای رسول خدا صلی الله علیه وآله

(۱). مسند احمد: ۴ / ۳۶۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۴۸

در حقّ دوستان و نفرین آن بزرگوار بر دشمنان امیرالمؤمنین علیه السلام است خودداری شده است، آن جا که فرمود:

فمن كنت مولاه، فإنّ عليّاً مولاه، اللهم عاد من عاداه ووال من والاه؛

هر که من مولا و سرپرست او هستم، پس علی مولا و سرپرست اوست. خدایا! دشمن بدار هر که با علی دشمنی ورزد؛ و دوست

بدار آن که با او از در دوستی درآید.

در حالی که همین جمله توسط خود زید بن ارقم در کتاب مسند احمد - آن سان که گذشت - موجود است.

جالب توجه این که احمد بن حنبل این دو حدیث را با فاصله چند صفحه آورده است؛ ولی زید بن ارقم در یک حدیث کلام

رسول خدا صلی الله علیه وآله را به طور کامل بیان نمی کند و از نقل دعای پایانی حدیث خودداری می نماید و در حدیث دیگر،

که برای شخص دیگری بوده، حدیث را با دعای پایانی آن نقل می نماید.

البته ما به زودی متن دیگری را از معجم کبیر طبرانی، خواهیم آورد که زید بن ارقم این حدیث را به طور کامل و با دعای پایانی

آن برای شخص سومی بیان می کند.

پیش از نقل روایت زید بن ارقم از معجم کبیر طبرانی، به کیفیت نقل

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۴۹

زیر نیز توجه نمایید!

راوی می گوید: به سعد بن ابی وقاص - که یکی از راویان حدیث غدیر و از بزرگان صحابه به شمار می رود، و به پندار اهل تسنن

یکی از ده نفری است که رسول خدا صلی الله علیه وآله مژده بهشت به آنان داده است! - گفتم: می خواهم درباره مطلبی از تو

سؤال نمایم؛ ولی از تو تقیه می کنم! «۱» سعد گفت: هر چه می خواهی بپرس؛ زیرا من عموی تو هستم.

راوی گوید: گفتم: جایگاه رسول خدا صلی الله علیه وآله در میان شما در روز غدیر چگونه بود...؟

سعد بن ابی وقاص شروع به نقل حدیث نمود. «۲» به شرایط حاکم بر مردم آن زمان درباره حدیث غدیر توجه کنید! به راستی با چه مشکلات و سختی‌هایی این حدیث را از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه وآله که در آن واقعه حضور داشتند اخذ می‌کردند. تا آن جا که راوی می‌گوید: می‌خواهم مطلبی از تو پرسم؛ ولی از تو تقیه می‌کنم! در نقل دیگری که طبرانی در معجم کبیر نقل کرده است این گونه

(۱). توجه دارید که چگونه حتی خودشان از یک دیگر تقیه می‌کردند.

(۲). کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام: ۶۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۵۰

می‌خوانیم. راوی می‌گوید: عده‌ای در اطراف زید بن ارقم حلقه زده بودند. شخصی در بین آنان ایستاد و گفت: آیا زید در میان شماست؟

گفتند: آری، این شخص زید بن ارقم است.

آن شخص گفت: ای زید! تو را به خدایی که معبودی جز او نیست سوگند می‌دهم! آیا از رسول خدا شنیدی که درباره علی فرمود:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ؟

زید گفت: آری.

او پس از دریافت این پاسخ از جماعت دور شد.

گویا موقعیت این گونه بوده است که وقتی شخصی می‌خواهد حقیقت قضیه را دریابد، چاره‌ای ندارد جز این که پرسش خود را با سوگند همراه نماید تا این که زید بن ارقم به احترام سوگندی که او را داده است! واقعه را همان گونه که از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله شنیده است بیان کند.

تواتر لفظی حدیث غدیر ... ص: ۵۰

با توجه به آن چه بیان شد، سند و متن «حدیث غدیر» بررسی شد و دانستیم که این حدیث از احادیث متواتر است؛ بلکه به مراتب

فراتر از حدّ تواتر است. اکنون می‌خواهیم این تواتر را اثبات کنیم. تواتر- آن

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۵۱

سان که در مباحث مربوط به آن آمده است- بر سه قسم است:

۱. تواتر لفظی؛

۲. تواتر اجمالی؛

۳. تواتر معنوی.

با توجه به این که گروهی از دانشمندان اهل سنت حدیث غدیر را در کتاب‌هایی که به احادیث متواتر تعلق دارد، نقل کرده‌اند، روشن می‌شود که این حدیث- با همان متنی که گذشت- دارای تواتر لفظی است که خود نکته مهمی است؛ زیرا دانشمندان علم حدیث و درایه اهل سنت می‌گویند که تواتر لفظی در احادیث نبوی جداً اندک است، به گونه‌ای که گفته‌اند: فقط یک حدیث متواتر لفظی داریم و آن گفتار پیامبر صلی الله علیه وآله است که می‌فرماید:

إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ؛

کردارها فقط در گرو نیت‌هاست.

گاهی به این حدیث، حدیث دیگری نیز می‌افزایند.

آنان می‌گویند: احادیثی که از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رسیده گرچه متواترند؛ ولی تواتر معنوی یا اجمالی دارند. البته این سخن در بیشتر احادیثی که بتوانیم به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به طور قطع و یقین نسبت دهیم جاری است؛ ولی - هم چنان که مشاهده می‌شود و با

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۵۲

قرآینی که ذکر شد - «حدیث غدیر» از احادیث متواتر لفظی است و این مطلب به خاطر اهمیتش قابل دقت است.

شیخ عبدالعزیز دهلوی در کتاب تحفه اثنا عشریه، «۱» می‌گوید:

اگر حدیثی به حدّ تواتر رسید و صدورش از رسول خدا صلی الله علیه و آله قطعی شد، در حکم آیه قرآن خواهد بود؛ پس همان گونه که قرآن کریم قطعی الصدور و از جانب خداوند متعال است و جایز نیست واژه‌ای از آن رد و یا باطل شود و هر که چنین کند کافر خواهد بود و تردیدی در این مطلب نیست؛ چرا که با تواتر قطعی به دست ما رسیده است؛ همان طور هر حدیثی که با سندهای قطعی و یقینی و در حدّ تواتر از رسول خدا صلی الله علیه و آله به ما برسد، به منزله آیه‌ای از آیات قرآن خواهد بود. نتیجه کلام دهلوی پیرامون حدیث غدیر این می‌شود که فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ؛ از این جهت که به صدور آن از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قطع و یقین داریم؛ همانند آیه‌ای از آیات قرآن بوده و تکذیب و رد آن حرام است.

(۱). این کتاب به صورت اختصار، به زبان عربی و به قلم آلوسی بغدادی و با پاورقی‌های یکی از دشمنان دین چاپ و منتشر شده است. وی در این پاورقی‌ها با دشنام و کلمات نامربوط، بغض و کینه خود را به اهل بیت علیهم السلام و شیعیان آن بزرگواران ابراز داشته است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۵۳

حدیث غدیر بیان گر امامت امیرالمؤمنین ... ص: ۵۳

علیه السلام

اکنون پس از اثبات تواتر «حدیث غدیر»، می‌خواهیم چگونگی دلالت این حدیث شریف را بر باور شیعه که امامت امیرالمؤمنین علیه السلام است بررسی کنیم.

خلاصه استدلال بر امامت امیرالمؤمنین علیه السلام این گونه است:

رسول خدا صلی الله علیه و آله در واقعه غدیر ابتدا با اشاره به آیه کریمه: «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ»؛ «۱»

«پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان اولی و سزاوارتر است» از حاضران اقرار گرفت که آن بزرگوار نسبت به مؤمنان از خودشان اولی و سزاوارتر است.

آن چه از این آیه کریمه استفاده می‌شود این است که در تمام اموری که مردم از طرف شارع نسبت به آن امور ولایت و حقّ تصرف دارند، پیامبر نسبت به مردم در آن امور، اولی و سزاوارتر است؛ از این رو آن حضرت نیز از مردم بر همین معنا اقرار گرفت، آن گاه از این اقرار نتیجه گرفت و فرمود:

فمن كنت مولاة فعلى مولاة؛

پس هر که من مولا و سرپرست او هستم، علی مولا و سرپرست اوست.

(۱)

. سوره احزاب: آیه ۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۵۴

در متن دیگری آمده است که فرمود:

فمن كنت وليه فعليّ وليه؛

پس هر که من ولی و سرپرست او هستم، علی ولی و سرپرست اوست.

در متنی دیگر نیز آمده است که فرمود:

فمن كنت أميره فعليّ أميره؛

پس هر که من امیر او هستم، علی امیر اوست.

بنا بر این رسول خدا صلی الله علیه و آله اولویتی را که بر مردم به حکم قرآن داشت، همان اولویت را برای امیرالمؤمنین علیه السلام

نیز ثابت فرمود.

آن گاه همه مردم با امیرالمؤمنین علیه السلام به فرمان رسول خدا صلی الله علیه و آله بر همین امر بیعت کردند و بر آن حضرت با

لقب «امیرالمؤمنین» سلام دادند و به او تهنیت گفتند و اشعاری نیز در این زمینه از شاعران مشهور آن زمان در همان مجمع سروده

شد.

باید دانست که محور استدلال به «حدیث غدیر» واژه «مؤلی» است و این واژه در زبان عرب به معنای «اولی» استعمال شده است که

هم در قرآن کریم به کار رفته است، آن جا که می فرماید:

«فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَأْوَاكُمُ النَّارُ هِيَ

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۵۵

مَوْلَاكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ»؛ (۱)

پس امروز نه از شما فدیهای پذیرفته می شود و نه از کفرورزان؛ جایگاهتان آتش است و همان شایسته شماس است و چه بد سرانجامی

است.

و هم در احادیث معتبر رسول خدا صلی الله علیه و آله، به خصوص در صحیح بخاری و صحیح مسلم و در اشعار و کاربردهای ادبی

زبان عربی فصیح آمده است.

اکنون با در نظر گرفتن این شواهد، استدلال به «حدیث غدیر» بر اساس قرآن کریم، احادیث رسول خدا صلی الله علیه و آله و

کاربردهای ادبی زبان عربی فصیح تمام خواهد بود.

بنا بر مقتضای «حدیث غدیر»، امیر مؤمنان علی علیه السلام نسبت به هر مؤمنی - جز رسول خدا صلی الله علیه و آله - از خود مؤمن

اولی و شایسته تر است؛ چه ایمان آن مؤمن واقعی باشد یا ادعایی و چه او از بزرگان صحابه و رؤسای قبایل عرب باشد و یا از دیگر

مردم.

ناگفته نماند که در مقابل این استدلال، دیدگاه علمی مخالفان را نیز باید در نظر گرفت که ما این مطلب را در بخش سوم بررسی

خواهیم کرد.

(۱). سوره حدید: آیه ۱۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۵۶

چکیده ... ص: ۵۶

تاکنون بیان شد که برای «حدیث غدیر» ریشه‌هایی اساسی در قرآن کریم، روایات قطعی الصدور از رسول خدا صلی الله علیه و آله- که مورد اعتراف فریقین است- و اخبار و آثار وجود دارد. مناظرات و احتجاجات بسیاری به «حدیث غدیر» از جانب امیر مؤمنان علی علیه السلام، پاره تن رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه زهراء، ائمه اطهار علیهم السلام، بزرگان صحابه و دانشمندان صورت گرفته است. هم چنین «حدیث غدیر» را شعرای بزرگ صحابه و حتی شعرای قرون مختلف سروده و در اشعارشان آورده‌اند. آری، حدیث غدیر دارای جایگاه قابل توجهی است و از چنین اصول و ریشه‌هایی مستحکم و غیر قابل تردید برخوردار است. ما اگر بخواهیم عنان قلم را در این نوشتار رها سازیم، نیازمند مجالی بسیار وسیع تر از این نوشتار است؛ چرا که مناظره‌هایی که درباره «حدیث غدیر» صورت گرفته، خود به تنهایی نیازمند نوشتاری جداگانه است. به گونه‌ای که مطالب گفتنی و شنیدنی پیرامون احتجاج حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا علیها السلام به «حدیث غدیر»، بیش از محتوای این

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۵۷

نوشتار است. فاطمه زهرايي که پاره تن رسول خدا صلی الله علیه و آله است، و این خصوصیت موضوعی نیست که به سادگی بتوان از آن چشم پوشید و اهميتش را نادیده گرفت. رسول خدا صلی الله علیه و آله در ضمن حدیثی فرمود:

فاطمه بضعة مني؛

فاطمه پاره تن من است.

این حدیث در کتاب‌های صحیح شش گانه و منابع معتبر دیگر اهل سنت آمده است؛ حدیثی که در نزد آنان ثابت شده و معتبر است.

به خاطر همین سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله، عده بسیاری از بزرگان اهل تسنن تصریح کرده‌اند که حضرت فاطمه زهراء علیها السلام از همه افراد امت حتی ابوبکر و عمر برتر است؛ در حالی که آنان مقام امیرالمؤمنین علیه السلام را بعد از عثمان بن عفان، و عثمان را پس از شیخین می‌دانند و افضلیت و برتری را بدان گونه که خلافت صورت گرفته است می‌پندارند. البته این مطلب میان اهل تسنن مشهور است؛ ولی عده‌ای از آنان به خاطر سخنی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در فضیلت و برتری حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بیان فرموده، آن انسیه حوراء را بر

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۵۸

شیخین نیز برتری داده‌اند. «۱» مطالبی که درباره اثبات سند، متن و دلالت «حدیث غدیر» مطرح شد، با چشم پوشی از شواهد بسیاری است که در متن حدیث غدیر وجود دارد؛ شواهد بسیاری که در روایات قطعی الصدور از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است که از آن جمله می‌توان به «حدیث ولایت» اشاره کرد که خود بحث مفصل و مستقلى می‌طلبد. «۲»

(۱). ما در این مورد و به لحاظ اهمیت خاصی که دارد، کتاب جداگانه‌ای تحت عنوان مظلومیت برترین بانو نگاشته‌ایم و این کتاب چندین بار تجدید چاپ شده است.

(۲). در این مورد نیز کتابی تحت عنوان نگاهی به حدیث ولایت از سلسله پژوهش های اعتقادی چاپ شده است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۶۱

بخش سوم تلاش های ناکارآمد برای بی اعتبار کردن حدیث غدیر ... ص: ۶۱

تلاش های ناکارآمد ... ص: ۶۱

اشاره

در این بخش، به گوشه‌ای از تلاش های عالمان اهل تسنن در توجیه واقعه تاریخی غدیر می پردازیم. بزرگان اهل سنت راه هایی را برای توجیه این واقعه به کار برده اند تا مفاد این حدیث شریف با اتفاقات پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله منافات نداشته باشد؛ ولی آن ها با انکار یکی از قطعی ترین سنت های رسول خدا صلی الله علیه و آله خود را از مصادیق این آیه شریفه قرار داده اند و به دوران جاهلی باز گشته اند. آن سان که خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

«وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا»؛ «۱»

(۱). سوره آل عمران: آیه ۱۴۴.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۶۲

محمد صلی الله علیه و آله فقط فرستاده خداست و پیش از او فرستادگان دیگری نیز بودند آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود، شما به عقب باز می گردید (و اسلام را رها کرده به دوران جاهلیت برمی گردید)؟ و هر کس به جاهلیت باز گردد هرگز به خدا ضرر نمی زند.

اینک به بخشی از تلاش های ناکارآمد آنان در برابر حدیث غدیر اشاره می نمایم.

۱. علی علیه السلام در حجۃ الوداع نبوده است ...! ص: ۶۲

پیش از طرح این مسأله، جای شگفتی و خنده است که اهل سنت به چنین مسأله ای پرداخته اند. آنان ادعا می کنند که علی بن ابی طالب هنگام حجۃ الوداع در یمن بوده و به هنگام حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله در مناسک حج و مراجعت از مکه، در کنار آن حضرت نبوده است. بنا بر این تمام احادیثی که درباره واقعه غدیر خم (این که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دست علی علیه السلام را گرفت و او را به عنوان خلیفه و جانشین خود به مردم معرفی کرد و فرمود: «من كنت مولاه فهذا علی مولاه») دروغ محض است!؛ چرا که علی در یمن بود.

تعجب نکنید اگر بگوییم که گوینده این سخن سخیف و بی اساس فخر رازی است؛ ولی جای بسی خوشبختی است که

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۶۳

ابن حجر مکی نویسنده کتاب الصواعق المحرقة، این ادعا را مردود دانسته است. «۱» هم چنین شرح کنندگان احادیث نبوی صلی الله علیه و آله که اهل سنت در فهم احادیث به آن ها مراجعه می کنند این سخن را رد کرده اند.

روش ما در پژوهش های علمی، این است که به کتاب های عالمانی هم چون: مناوی (نگارنده فیض القدیر)، شیخ علی قاری (شارح شفاء قاضی عیاض و نگارنده مرقاة در شرح مشکات) و از شرح هایی که نوشته شده است نیز به شرح مواهب لدئیة (نگارش زرقانی مالکی) مراجعه کنیم؛ چرا که اینان شارحان و عالمان بزرگ در علم حدیث هستند و سخنان و نظریه های آنان در شرح و بیان معانی

احادیث در نزد اهل سنت حجت است. ما با مراجعه به اینان به سخنانشان احتیاج می‌کنیم و اهل تسنن را به وسیله سخنان علمای خودشان ملزم می‌نماییم.

به عنوان نمونه ملا علی قاری در کتاب المرقاة می‌نویسد:

نبود علی علیه السلام در مکه کلامی باطل است؛ زیرا در تاریخ ثابت شده است که علی علیه السلام از یمن برگشته بود و در حجّه الوداع همراه

(۱). الصواعق المحرقة: ۲۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۶۴

رسول خدا صلی الله علیه وآله حضور داشت. «۱» از طرفی در کتاب‌های صحیح ششگانه، مسندهای اهل سنت و منابع دیگر- آن جا که واقعه خروج از احرام در حج را ذکر کرده‌اند- به این مطلب تصریح کرده‌اند که علی علیه السلام در حجّه الوداع همراه رسول خدا صلی الله علیه وآله بوده است.

از این رو سخن فخر رازی که علی علیه السلام در آن زمان در یمن بوده است، از جهت دیگری نشان گر صحت حدیث غدیر بوده و بر امامت و خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام دلالت کامل دارد.

۲. مناقشه در صحت حدیث غدیر ... ص: ۶۴

راه دیگری که اهل سنت برای بی‌اعتبار کردن «حدیث غدیر» پیموده‌اند، اشکال کردن در صحت حدیث غدیر است. برخی از آنان از جمله فخر رازی گفته‌اند: ما صحت حدیث غدیر را نمی‌پذیریم.

در پاسخ به این مناقشه، در گذشته یادآور شدیم که عده بسیاری از بزرگان اهل تسنن به تواتر «حدیث غدیر» تصریح نموده و این حدیث شریف را در کتاب‌هایی که فقط به نقل احادیث متواتر پرداخته و به همین علت تألیف شده است، ذکر کرده‌اند.

(۱). مرقاة المفاتیح فی شرح مشکاة المصابیح: ۵/ ۵۷۴.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۶۵

۳. ادعای عدم تواتر «حدیث غدیر ...» ص: ۶۵

از راه کارهای ناکارآمد دیگری که برای بی‌اعتبار کردن حدیث غدیر صورت گرفته، ادعا شده است که حدیث غدیر متواتر نیست. ابن حزم اندلسی و بعضی از پیروانش قائل به عدم تواتر «حدیث غدیر» هستند و از معاصران نیز شیخ سلیم بشری مالکی مصری، در نامه‌ای که به سید شرف الدین رحمه الله می‌نویسد، چنین می‌نگارد:

شما شیعیان قائلید که امامت، اصلی از اصول دین است و شکی نیست که اصول دین جز با خبرهای متواتر و یا دلیل‌های قطعی ثابت نمی‌شود و ما در تواتر «حدیث غدیر» با شما موافق نیستیم. در نتیجه امامت علی با حدیث غدیر ثابت نمی‌شود.

به عبارت دیگر، اینان صحت حدیث غدیر را پذیرفته‌اند؛ ولی در تواتر آن اشکال کرده‌اند. پس اگر تواتر حدیث غدیر تمام نشود، استدلال به امامت علی علیه السلام نیز تمام نخواهد شد؛ زیرا حدیث ظنی، گرچه صحیح و معتبر باشد؛ ولی نمی‌تواند اصلی از اصول دین را ثابت کند؛ زیرا اصول دین ناگزیر باید با قطع و یقین ثابت شود و حدیث ظنی، مفید قطع نبوده و نخواهد توانست امر قطعی را ثابت کند.

در پاسخ این اشکال می‌گوییم: در صورتی این ایراد وارد است که تواتر «حدیث غدیر» ثابت نشود؛ ولی ما اهل سنت را ملزم می‌کنیم که

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۶۶

پیشوایان بزرگ آن‌ها افرادی چون: ذهبی، ابن کثیر، ابن جزری، سیوطی، کتیبی، زبیدی، متقی هندی و شیخ علی قاری بر تواتر «حدیث غدیر» تصریح کرده‌اند.

از طرفی در شرح حال ابن حزم اندلسی نوشته‌اند که وی از نواصب بوده و با اهل بیت علیهم السلام دشمنی داشته است. در احوالات او می‌نویسند: شمشیر حجاج بن یوسف ثقفی (در دشمنی با علی علیه السلام) با زبان ابن حزم دو برادرند که از یک مادر زاده شده‌اند. شقی‌تر از ابن حزم کسانی هستند که از او پیروی کرده و سخنان باطل این شخص ناصبی را مستند آرای خود قرار داده‌اند. البته کمبود فرصت از قلم فرسایی بیشتر در این باره جلوگیری می‌کند؛ و گرنه به برخی از سخنان باطل این مرد اشاره می‌کردیم که بنا بر این گفته‌هایش می‌توان به کفر او حکم کرد.

بنا بر این با اعتراف بزرگان و پیشوایان اهل تسنن به تواتر «حدیث غدیر»، این اشکال نیز از کار افتاد.

۴. آیا کلمه «مؤلی» در کلام عرب به معنای «اؤلی» آمده است...؟ ص: ۶۶

اساسی‌ترین اشکال اهل سنت بر دلالت «حدیث غدیر» این است که دلالت این حدیث بر مدّعی شیعه وقتی تمام است که کلمه «مؤلی»

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۶۷

- که در حدیث شریف آمده است- در استعمالات فصیح عرب به معنای «اؤلی» آمده باشد.

پیرامون این اشکال شیخ عبدالعزیز دهلوی، صاحب کتاب تحفه اثنا عشریه می‌نویسد: به اتفاق اهل لغت، واژه «مؤلی» به معنای «اؤلی» استعمال نشده است. وی با این ادّعا، «حدیث غدیر» را از دلالتش بر مدّعی شیعه ساقط کرده و ادّعا می‌کند که هیچ یک از اهل لغت واژه «مؤلی» را به معنای «اؤلی» به کار نبرده‌اند.

ما با سه روش به عبدالعزیز دهلوی و همفکرانش پاسخ می‌دهیم:

۱. حدیث شریف غدیر تنها با واژه «مؤلی» نقل نشده است؛ بلکه با واژگانی هم چون: «ولئی»، «امیر» و مانند این دو نیز آمده است که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد.

۲. پیش‌تر تذکر دادیم که

الحدیثُ يُفَسَّرُ بَعْضُهُ بَعْضًا؛

برخی از حدیث‌ها، برخی دیگر را تفسیر و بیان می‌نمایند.

بنا بر این بر فرض این که واژه «مؤلی» در «حدیث غدیر» مبهم باشد، با استفاده از نقل‌های دیگر ابهامی که آنان مدّعی هستند برطرف شده و در نتیجه، اشکال وارد بر حدیث شریف منتفی خواهد شد.

۳. آن چه که اساس و بنیان اشکال اهل سنت را فرو می‌ریزد این

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۶۸

است که در قرآن کریم «۱» و احادیث صحیحی که در کتاب‌های اهل تسنن؛ از جمله صحیح بخاری و صحیح مسلم موجود است واژه «مؤلی»، به معنای «اؤلی» به کار رفته است.

گفتنی است که ورود در این بحث به طور تفصیلی و در پرتو استدلال به قرآن، روایات، اشعار فصیح عرب و کاربردهای ادبی زبان

عرب به مجال وسیع تری نیاز دارد که ما در این مجال فقط به ذکر اسامی عده‌ای از بزرگان تفسیر، لغت و ادب اهل تسنن بسنده می‌کنیم که اینان تصریح کرده‌اند که واژه «مؤلی»، در لغت عرب، به معنای «اولی» آمده است:

۱. ابوزید انصاری، لغوی معروف؛
۲. ابو عبیده بصری (معمّر بن مثنی)؛
۳. ابوالحسن اخفش؛
۴. ابوالعبّاس ثعلب؛
۵. ابوالعبّاس مُبرّد؛
۶. ابواسحاق زجاج؛
۷. ابوبکر بن انباری؛
۸. ابونصر جوهری، نویسنده کتاب معروف صحاح اللّغه؛

- (۱). ر. ک صفحه ۵۶ همین کتاب.
 - سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۶۹
 ۹. جار الله زمخشری، نویسنده تفسیر معروف کشاف؛
 ۱۰. حسین بَعَوی، نویسنده کتاب تفسیر مصابیح السنّه؛
 ۱۱. ابوالفرج ابن جوزی حنبلی؛
 ۱۲. ناصرالدین بیضاوی، نگارنده کتاب معروف تفسیر بیضاوی؛
 ۱۳. نسفی، نویسنده کتاب معروف تفسیر نسفی؛
 ۱۴. ابوالسعود عمادی، نویسنده تفسیر معروف ابوالسعود؛
 ۱۵. شهاب الدین خفاجی، صاحب حاشیه مفصل بر تفسیر بیضاوی؛
- هم چنین برخی از بزرگان لغت و ادب در توضیحاتی که بر تفسیر بیضاوی نوشته‌اند بر این مطلب تصریح نموده‌اند. به نظر می‌رسد که تصریح همین مقدار از دانشمندان بزرگ اهل تسنن در پاسخ به این اشکال کافی است.
- کوتاه سخن این که: واژه «مؤلی» در قرآن کریم به کار رفته و به «اولی» تفسیر شده است، آن جا که خداوند متعال می‌فرماید:
- «هِيَ مَوْلَاكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ»؛ «۱»
- جایگاه شما آتش است و همان شایسته شماست و چه بد جایگاهی است.
- مفسران در تفسیر این آیه گفته‌اند:

- (۱). سوره حدید: آیه ۱۵.
 - سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۷۰
 - هی اولی بکم وبئس المصیر؛
 - آتش شایسته شماست و چه بد جایگاهی است.
 - البته در این زمینه احادیث بسیاری رسیده است و این مطلب در اشعار عربی فصیح نیز آمده و در واژگان لغویان نیز بیان شده است.
- «۱»

۵. «حدیث غدیر» بر امامت بلا فصل، دلالت نمی‌کند...! ص: ۷۰

آن گاه که اهل سنت نتوانستند با روش‌های علمی «حدیث غدیر» را بی اعتبار سازند، دلالت آن را زیر سؤال بردند و گفتند: ما دلالت «حدیث غدیر» را بر امامت علی علیه السلام و این که او به سان پیامبر صلی الله علیه و آله به مؤمنان از خودشان شایسته تر است، می‌پذیریم؛ ولی این حدیث به خلافت بلا فصل او دلالت ندارد؛ بلکه بر خلافت آن حضرت پس از عثمان بن عفان - همان طوری که در خارج واقع گردیده است - دلالت می‌کند و منظور پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از این حدیث، خلافت و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از عثمان و در مرتبه چهارم است!

باید دانست که اهل سنت ابوبکر و عمر را بر عثمان، برتری و تفضیل می‌دهند؛ ولی در این که آیا علی علیه السلام افضل است یا

(۱). برای آگاهی بیشتر از موارد استعمال واژه «مؤلی» به معنای «اولی»، می‌توانید به کتاب: نجات الأزهاری فی خلاصه عبقات الانوار - بخش «حدیث غدیر» - مراجعه نمایید.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۷۱

عثمان، اختلاف دارند! و برخی از آنان، علی علیه السلام را بر عثمان برتری می‌دهند.

البته ما با استناد به کتاب‌های اهل تسنن، می‌توانیم اثبات کنیم که طبق احادیثی که در فضایل خلفای سه گانه آمده عثمان برتر از شیخین است.

در این صورت اگر عثمان بر شیخین برتری داده شود و علی علیه السلام هم از عثمان افضل باشد - آن سان که عده زیادی از بزرگان اهل تسنن بر این عقیده‌اند - به طور قطع و یقین، امیرالمؤمنین علیه السلام از همه امت افضل خواهد بود و این خود یکی از ادله امامت و خلافت بلا فصل آن بزرگوار خواهد بود.

در هر صورت، اهل تسنن با این اشکال، دلالت «حدیث غدیر» را بر خلافت بلا فصل نفی کرده و می‌گویند «حدیث غدیر» فقط خلافت علی علیه السلام را بعد از عثمان بن عفان ثابت می‌کند.

پاسخ از اشکال ... ص: ۷۱

ما این اشکال را از سه جهت پاسخ می‌دهیم و می‌گوییم:

نخست. ادعای آنان که «حدیث غدیر» بر خلافت علی علیه السلام بعد از عثمان دلالت می‌کند، به دلیل‌های قطعی و مقبول در نزد شیعه و سنی نیاز دارد که امامت ابوبکر، عمر و عثمان را پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله ثابت کند و تا چنین امری ثابت نشود، این

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۷۲

اشکال وارد نخواهد بود. بدیهی است که اگر طبق اعتقاد آنان یک حدیث قطعی و یقینی و مورد اتفاق طرفین بود، نزاعی بین شیعه و سنی نمی‌ماند. با این که چنین حدیثی بر اثبات خلافت سه خلیفه پیشین وجود ندارد. بنا بر این اصل این اشکال، به تعبیر علمی «مصادره به مطلوب» (۱) و بطلان چنین استدلالی روشن است.

دوم. بنا بر مضمون «حدیث غدیر»، علی علیه السلام از این سه نفر نیز نسبت به خودشان اولی و شایسته تر است؛ زیرا با توجه به آن چه بیان شد، همان اولویتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر امت داشت، بدون کم و کاست و بر طبق مفاد «حدیث غدیر»، برای امیرالمؤمنین علیه السلام ثابت است.

سوم. طبق روایات صحیحی که وارد شده است ابوبکر، عمر و عثمان در روز عید غدیر و به هنگام بیعت با امیرالمؤمنین علیه السلام، امامت و خلافت آن حضرت را تبریک و تهنیت گفتند. عمر بن خطاب در آن روز به امیر مؤمنان علیه السلام این گونه خطاب کرد: **بِحَّ بَخٍ لَكَ يَا عَلِيُّ! أَصْبَحْتَ مَوْلَايَ وَمَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ؛** مبارک بر تو ای علی! مولای من و هر مرد و زن مؤمن گردیدی. این تبریک و تهنیت عمر یکی از مشهورترین عبارات و ورد

(۱). مصادره به مطلوب به معنای مدعی را عین دلیل قرار دادن است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۷۳

زبان همگان است؛ هم چنان که عمر بن خطاب در هفتاد مورد اعتراف کرد و گفت: **لَوْلَا عَلِيُّ لَهْلَكَ عَمْرٌ؛**

اگر علی نبود، عمر هلاک شده بود.

از این اعتراف عمر نیز هر عالم و جاهل و هر بزرگ و کوچکی حتی کودکان باخبرند.

حال آنان این روایات را چگونه توجیه می کنند؟ و با وجود چنین شواهدی چگونه «حدیث غدیر» را نشان گر بر امامت علی علیه السلام بعد از عثمان می دانند؟

به راستی آیا بیعت سه خلیفه نخست در روز غدیر با امیر مؤمنان علی علیه السلام به خلافت بعد از عثمان مقید بوده است؟! در هر صورت این اشکال نیز فایده‌ای ندارد و آنان متوجه این موضوع هستند.

۶. آیا «حدیث غدیر» بر امامت باطنی دلالت می کند...؟! ص: ۷۳

آخرین تیری که در ترکش برای خصم مانده این است که برخی از اهل تسنن امامت را به دو بخش تقسیم کرده‌اند:

۱. امامت باطنی؛

۲. امامت ظاهری.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۷۴

امامت باطنی - که امامت در نزد متصوفه نیز همین است - همان امامت در معنا و قضایای معنوی و امور باطنی است و به پندار برخی از اهل تسنن، علی علیه السلام امام مسلمانان و خلیفه بلا- فصل رسول خدا صلی الله علیه و آله در امور باطنی است و سه خلیفه نخست، همان خلفای ظاهری بر مسلمانان هستند و حق حکومت و امر و نهی دارند که امت باید مطیع آنان بوده و از اوامر و نواهی آنان اطاعت کنند.

اینان چنین می گویند. گویی امر امامت و ریاست عامه بر امت امری است که به نظر آنان موکول شده است تا به اختیار خود، آن را به دو قسم نمایند؛ سپس هر بخشی را به هر که می‌پسندند و هوای نفسشان به آن طرف مایل است عطا کنند؛ به گونه‌ای که بخشی را به حضرت علی علیه السلام و فرزندان او علیهم السلام عطا نمایند و بخش دیگری را به خلفای سه گانه، آن گاه به معاویه؛ سپس به یزید و پس از آن به متوکل و ... تا امروز ارزانی دارند. گویی امر امامت در اختیار آنها و روی هوا و هوس آنهاست که به علی علیه السلام بگویند: تو امام به این معنا هستی و تو فلانی امام به معنای دیگر.

گویا اینان سخن خداوند متعال را نشنیده‌اند و یا شنیده‌اند؛ ولی خود را به ناشنایی می‌زنند که می‌فرماید:

«وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۷۵

وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ»؛ (۱)

پروردگارت هر چه را بخواهد می‌آفریند و اختیار می‌کند و آنان [در برابر او] اختیاری ندارند. خدا از شرک آنان منزّه و برتر است. آیا این بیان تهدیدآمیز آیه کریمه و حکم نمودن به شرک کسانی که برای خود حق اختیار قائلند، برای جلوگیری از خودکامگی کسانی که مدعی اعتقاد به قرآن هستند کافی نیست؟

البته به طور کامل روشن شد که این اشکال به مضحکه شبیه‌تر است تا سخن علمی، و نهایت چیزی که از این اشکال استفاده می‌شود، این است که اهل تسنن از هر گونه مناقشه قابل قبولی در دلالت «حدیث غدیر» عاجز گشته‌اند که به این مطالب واهی پناه آورده‌اند.

خداوند متعال می‌فرماید:

«فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»؛ (۲)

به پروردگارت سوگند که آنان مؤمن نخواهند بود، مگر این که در اختلافات خود، تو را به داوری برگزینند و پس از داوری تو،

(۱). سوره قصص: آیه ۶۸.

(۲). سوره نساء: آیه ۶۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۷۶

در دل خود احساس ناراحتی نکرده و کاملاً تسلیم باشند.

این پژوهش را با دعای قرآنی به پایان می‌بریم که:

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»؛ (۱)

خدایا! به ما در دنیا نیکی عطا کن، و در آخرت نیز نیکی عطا فرما، و ما را از عذاب آتش حفظ فرما.

و می‌گوییم:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ»؛ (۲)

ستایش ویژه خداوندی است که ما را به این (هدایت‌ها) رهنمون شد و اگر خدا ما را هدایت نکرده بود، ما از راه یافته‌گان نبودیم.

آری، خدای سبحان را سپاسگزاریم که ما را از پیروان ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام و فرزندان معصوم او قرار داد و

پایانی‌ترین فراخوانی ما همان سپاس بی‌پایان از پروردگار جهانیان است و درود خدا بر محمد و خاندان پاک آن حضرت باد.

(۱). سوره بقره: آیه ۲۰۱.

(۲). سوره اعراف: آیه ۴۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۷۷

کتابنامه ... ص: ۷۷

۱. قرآن کریم.

«الف»

۲. أسنى المطالب فى مناقب على بن ابى طالب عليه السلام: حافظ شمس الدين جزرى.

«ب»

۳. البداية والنهائه: حافظ ابی فداء اسماعیل بن کثیر، دار احیاء التراث عربی، بیروت، لبنان، چاپ نخست، سال ۱۴۰۸.

«ت»

۴. تحفه اثنا عشریه: شاه عبدالعزیز دهلوی، نورانی، کتابخانه، پیشاور، پاکستان.

«ج»

۵. الجامع لاحکام القرآن (تفسیر قُزُطبی): محمد بن احمد انصاری قرطبی، دار احیاء التراث عربی، افسس از چاپ دوم.

«خ»

۶. خصائص أمير المؤمنين علي عليه السلام: عبدالرحمان احمد بن شعيب نَسَائِي، دار الثقلین، قم، چاپ نخست، سال ۱۴۱۹.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۷۸

«ص»

۷. صحیح: مسلم بن حجاج نیشابوری، مؤسسه عز الدین، بیروت، لبنان، چاپ نخست، سال ۱۴۰۷.

۸. الصواعق المَحْرَقَة: ابن حجر هیتمی مکی، مکتبه القاهرة، قاهره، مصر.

«ف»

۹. فضائل الصحابه: احمد بن حنبل شیبانی، جامعه ام القرى، مرکز البحث العلم واحیاء التراث الاسلامی، مکه، عربستان سعودی،

چاپ اول، سال ۱۴۰۳.

«ک»

۱۰. کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام: محمد بن یوسفی گنجی شافعی.

«م»

۱۱. مجمع الزوائد و منبع الفوائد: نورالدین علی بن ابی بکر هیشمی، دار الفکر، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۲.

۱۲. مرقاة المفاتیح فی شرح مشکاة المصابیح: ملا علی قاری هروی حنفی.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۷۹

۱۳. المستدرک: حاکم نیشابوری، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۱.

۱۴. مسند احمد: احمد بن حنبل شیبانی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ سوم، سال ۱۴۱۵.

۱۵. المناقب: ابن مغزلی، دار الأضواء، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۲۱۴.

«ن»

۱۶. نفحات الأزهار فی خلاصة عبقات الأنوار: آیه الله سید علی حسینی میلانی، قم، نشر الحقایق، چاپ دوم، سال ۱۴۲۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث غدیر، ص: ۸۰

(۱۳)

A Glance on Ghadir Narration

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

